



تحلیل اخلاق یهودی در اندیشه پیرمرد با تأکید بر مبانی دینی و اخلاقی

عمر محمد سعید^۱ - امین حمه رضا محمد امین^۲

amin.mohamad@univsul.edu.iq - omer.saeed@univsul.edu.iq

^{۱+۲} به‌شی زمان و نه‌ده‌بی فارسی، کۆلیژی زمان، زانکۆی سلیمانی، سلیمانی، هه‌ریمی کوردستان، عێراق.

چکیده:

مقاله حاضر شامل تحلیلی است بر اشعار و اندرزهای پیرمرد^۱ نسبت به قوم یهود و اندیشه و رویکرد شاعر در تحلیل و تفسیر اشعارش بر پایه دیدگاه اخلاقی و دینی با رویکرد انتقادی بازتاب یافته است. در این پژوهش، نگرش شاعر درباره رفتار یهودیان با بشریت، نحوه مواجهه با آنان از منظر اخلاقی و دینی بررسی می‌شود. شاعر تکیه بر آموزه‌های اسلامی و باورهای دینی خود، برخی از خصایص و رفتارهای منسوب به این قوم را نقد کرده است؛ خصایصی که در اشعار او بیان شده، نشانگر مانعی در برابر همزیستی مسالمت‌آمیز با سایر ملت‌ها بوده‌اند. مفهوم «اخلاق یهودی» که مضمون اساسی مقاله است و روش تحقیق در آن کتابخانه‌ای است و از منظر دینی و اخلاقی تحلیل می‌شود. در طول تاریخ، یهودیان با وجود پراکندگی جغرافیایی و فرهنگی، دارای ویژگی‌های رفتاری مشابهی دانسته شده‌اند که از آن‌ها با عنوان «اخلاق یهودی» یاد شده است؛ مفهومی که به مجموعه‌ای از ویژگی‌های انتقادی همچون؛ خودبرتربینی قومی، دروغگویی و پیمان‌شکنی، فتنه‌انگیزی و مال‌پرستی اشاره دارد. در ادامه، به ریشه‌شناسی واژه «یهودی» در طول تاریخ پرداخته شده است که از ترکیب «یهو» به معنای خداوند، «دی» به معنای اعتراف یا جزا برگرفته شده است. با گذر زمان و در طول تاریخ، واژه «یهودی» معانی و بارهای اجتماعی و تاریخی متنوعی به خود گرفت، به‌ویژه در تمدن‌های یونانی، رومی و اروپای قرون وسطی، که گاه با مفاهیمی منفی مانند «تاجر»، «مال‌دوست» یا «فریبکار» همراه بوده است.

واژه‌های کلیدی: پیرمرد، یهود، اخلاق یهودی، تورات و تلمود.

Analysis of Jewish Behavior in Piramerd's thought from Religious and Moral Perspectives

Omer Mohammed Saeed¹ – Amin Hamaradha M. Amin²

¹⁺²Department of Persian Language and Literature, College of Languages, University of Sulaimani, Sulaimani, Kurdistan Region, Iraq.

Abstract:

This research is an analytical study of one of the well-known poet of Kurdish literature, Piramerd's poetry and maxims. In which his moral, religious, and critical perspectives toward the Jewish nation are revealed. In this research, the poet's view towards Jewish behavior with humanity and their attitude patterns from moral and religious standpoints are discussed and analyzed. Piramerd, by relying on his Islamic and religious knowledge, has criticized certain behaviors and attitudes specific to this nation. Characteristics, which in his opinion, have hindered proper co-existence with other nations. Furthermore, the content of "yahudi morality" is discussed from historical, religious, and moral viewpoints. Additionally, the Jewish nation, because of geographical and cultural dispersion, has been recognized as possessing similar behavioral characteristics referred to as "Jewish behavior" a concept characterized by several criticized traits such as: national superiority complex, covenant-breaking, dishonesty, troublemaking, and materialism. Subsequently, he worked on the etymological foundations of the word "yahudi" which was examined from a historical perspective, derived from the combination of the word "yahu" meaning God, and "di" meaning acknowledgment or reward. Over time and throughout history, the word "Jewish" has taken on various social and historical meanings, and connotations, specifically in Greek, Roman, and medieval European cultures, where it sometimes appeared with negative meanings like: merchant, materialist, or deceiver.

Keywords: Piramerd, Jews, Jewish behavior, Torah and Talmud.

مقدمه:

بحث درباره قوم یهود (بنی اسرائیل) به یکی از پسران پیامبر یعقوب (علیه السلام) بازمی‌گردد که یعقوب نبی (علیه السلام) به لقب «اسرائیل» مشهور است. وی ساکن کنعان و صاحب دوازده پسر به نام‌های رویین، شمعون، لاوی، یهودا، یساکر، زوبولون، یوسف، بنیامین، دان، نفتالی، جاد و اشیر بود که بعدها در مصر ساکن شدند. واژه «اسرائیل» از زبان آرامی برگرفته شده و مرکب از دو بخش «اسرا» به معنای عبد و بنده، «ایل» به معنای معبود یا اله است که در زبان عربی به «عبدالله» تعبیر می‌شود (السمحرانی، ۲۰۰۸: ۱۷). در مورد قوم یهود و آنچه که بیان شد، اصل آن به پسران اسرائیل برمی‌گردد که کلمه یهود از اسم (یهودا) گرفته شده است که یکی از دوازده پسر پیامبر یعقوب (علیه السلام)، (القفاری...، ۱۹۹۲: ۱۸) می‌باشد. اما نام بردن قوم یهود به طور آشکار و به این اسم که صاحب فرهنگ و قدمت باشد، به زمان خود پیامبر موسی (علیه السلام) برمی‌گردد که برای این قوم فرستاده شد و آنان را برای هدایت و یکتاپرستی دعوت می‌کرد. با تلاش مدام او، و به دلیل اینکه مدام همراهشان بود و اندازشان می‌کرد، اندکی از این قوم هدایت یافتند و از کارهای زشتشان دست کوتاه کردند تا اینکه دفعه ای به امر الهی، موسی (علیه السلام) به ملاقات الله (سبحانه و تعالی) رفت و قومش را به برادرش؛ هارون سپرد. به امر الهی ملاقات موسی طولانی شد و چهل روز برنگشت. زمانی که نزد قومش برگشت، آن‌ها به کفر و خصلت زشت قبلی‌شان برگشته بودند. چراکه سامری یکی از فاسقین قومش بود گوساله ای را از طلا برایشان ساخته بود و عبادتش می‌کردند. موسی (علیه السلام) در حین بازگشت، بادیدن این صحنه عصبانی شد و هارون برادرش را به دلیل کفر بنی اسرائیل نکوهش کرد، در حالی که هارون (علیه السلام) تقصیری نداشت و فرمود ترسیدم فتنه بین قوم برپا شود و جهد آن چنانی نکردم تا تو برگردی. «وَوَاعَدْنَا مُوسَى ثَلَاثِينَ لَيْلَةً وَأَتَمَمْنَاهَا بِعَشْرِ قَتْمٍ مِيقَاتُ رَبِّهِ أَزِيعِينَ لَيْلَةً» وَقَالَ مُوسَى لِأَخِيهِ هَارُونَ اخْلُفْنِي فِي قَوْمِي وَأَصْلِحْ وَلَا تَتَّبِعْ سَبِيلَ الْمُفْسِدِينَ» (الاعراف: ۱۴۲). (و با موسی [برای عبادتی ویژه و دریافت تورات] سی شب وعده گذاشتیم و آن را با [افزودن] ده شب کامل کردیم، پس میعادگاه پروردگارش به چهل شب پایان گرفت، و موسی [هنگامی که به میعادگاه می‌رفت] به برادرش هارون گفت: در میان قومم جانشین من باش و به اصلاح برخیز و از راه و روش مفسدان پیروی مکن). موسی (علیه السلام) نیز بعد از این واقعه بلافاصله دوباره به یکتاپرستی دعوتشان کرد و تا اینکه این بار هم توبه کردند و به دین موسی بازگشتند و گفتند: «انا هدنا الیک» (همان: ۱۵۶)، (دوباره هدایک یافتیم). داستان قوم یهود، حکایتی پر فراز و نشیب و سرشار از رخدادهای شگفت‌انگیز است. این قوم در طول تقریباً سه هزار ساله تاریخ خود، جز در عصر داوود و سلیمان (علیهم السلام) هرگز از حکومتی متمرکز و پایدار برخوردار نبوده‌اند. (شاهاک، ۱۳۸۹: ۳۳). اغلب آواره و گرفتار رفتارهایی نظیر برتری‌جویی قومی، دروغ‌گویی و عهدشکنی، فتنه‌انگیزی، پولپرستی؛ حسادت و بخیلی (کریمیان، ۱۳۸۴: ۱۶۵ و ۱۶۶) بوده‌اند. خصلتهایی که پیرمرد شاعر به عنوان یک فرد صاحب ایمان و اخلاق، در باره آن صفات منفی یهود که پرتوی تاریخ دیرینه سه هزار ساله آن قوم را حامل است، با رویکردی انتقادی و با ذکر نمونه می‌آورد و برای رفع گمانی که شاید در ذهن خواننده ایجاد شود این بحث تاریخی چه ارتباطی به بیان اندیشه شاعر دارد، در بخش بحث و بررسی مقاله به طور مفصل درباره آن صفات مذکور، که جواب این گمان است با نمونه پندهای پیرمرد توضیح داده خواهد شد. مارتین بوبر در این باره می‌نویسد: این یک حقیقت مسلم است. یک یهودی همه اینهاست: انسان خوب یا ریاکار؛ مستعد زیبایی، و در عین حال زشت؛ هم شهوت‌ران، هم پارسا؛ شیاد یا قمارباز؛ متعصب یا برده‌ای بزدل (بوبر، ۱۳۹۳: ۳۹). بوبر معتقد است؛ تناقض رازگونه، مهیب و خلاق، مسئله‌ی اساسی این دین است. او می‌گوید: با بررسی جامعه و تاریخ این قوم، بارها با تضادهایی مواجه می‌شویم که از تضادهایی که در دیگر ساختارهای اجتماعی در کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند، بسیار عظیم‌تر است؛ صادقانه‌ترین

راست گویی در کنار وقیح‌ترین دروغ‌گویی، اوج آمادگی برای فداکاری در کنار آزمندانه‌ترین خودپرستی. هیچ قوم دیگری چنین خائنان و ماجراجویان حقیر و چنین منجیان و انبیای والایی به بار نیاورده است (همان، ۳۹-۴۰). بنابراین بر مبنای دلایل قران کریم می‌توان گفت، سلطه‌طلبی و سودجویی مادی و فتنه انگیزی از ویژگی‌های برجسته این قوم در تاریخ بوده است که مانع از همزیستی مسالمت‌آمیز آن‌ها با سایر ملل گردیده است. این وضعیت، علاوه بر سه هزار سال سرگردانی و آوارگی، تاکنون نیز ادامه یافته است؛ به طوری که ظلم و ستمگری و نابسامانی‌های اخیر در سرزمین‌های اشغالی، اشغال سرزمین‌های دیگر، آواره ساختن مردم، تخریب خانه‌ها و اقدامات نظامی و ظلم، نشان از استمرار این روند طولانی دارد و نمونه‌هایی از این واقعیت است. پس از نظر قران کریم، قوم یهود به خاطر اعمال ناشایست و خلاف شرعی ای که مرتکب شدند، فضیلت و برتری اشان پایدار نماند و از این موهبت الهی محروم شدند و سرنوشتشان به تعبیر قران کریم این گونه رقم خورد که تا روز قیامت میان آنان عداوت و دشمنی برقرار است و فساد در زمین را پیشه خود خواهند کرد و نمی‌توانند با دیگر اقوام زندگی مسالمت آمیزی داشته باشند «وَلَيَزِيدَنَّ كَثِيرًا مِنْهُمْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ طُغْيَانًا وَكُفْرًا» وَالْقَيْنَا بَيْنَهُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ «كَلَّمَا أَوْقَدُوا نَارًا لِلْحَرْبِ أَطْفَأَهَا اللَّهُ» وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ» (مائده: ۶۴) (و مسلماً آنچه از جانب پروردگارت به سوی تو نازل شده است، بر سرکشی و کفر بسیاری از قوم یهود می‌افزاید. و ما میان آنان تا روز قیامت کینه و دشمنی انداختیم. هر زمان آتشی را برای جنگ [با اهل ایمان] افروختند خدا آن را خاموش کرد، و همواره در زمین برای فساد می‌کوشند، و خدا مفسدان را دوست ندارد.). به خاطر کفر ورزیدن به آیات الهی، کشتن ناحق انبیای الهی، عصیان و تعدی و تجاوز تا ابد خوار و زلیل خواهند بود و مجازات سنگینی در قیامت در انتظار ایشان خواهد بود (همان: ۴۱). آنان از رحمت حق تعالی بی بهره اند و لعنت ابدی خدا و پیامبرش شامل حالشان خواهد شد (بقره: ۸۸)، (النساء: ۵۲).

سولات تحقیق:

پژوهش حاضر با بررسی و تحلیل اشعار و پندهای پیره‌میرد درصدد پاسخ به سولات زیر است:

۱. یهودیت دارای چه اوصاف و ویژگی‌های خاصی است؟ نگرش یهودیان نسبت به سایر اقوام چگونه است و تصویر آن‌ها در اندیشه دیگر اقوام چگونه ترسیم شده است؟
۲. یهود و ویژگی‌های اخلاقی منسوب به آنان در قران کریم و کتاب مقدس چگونه معرفی شده اند؟
۳. پیرمرد در اشعار خود چگونه به نقد اخلاق یهود پرداخته است و این بازتاب چه ارتباطی با باورهای اخلاقی و دینی او دارد؟

اهمیت و ضرورت تحقیق:

ضرورت و احتیاج این پژوهش از نیاز به شناخت تحلیل نظام مند تاریخی، اخلاقی و دینی قوم یهود نشأت می‌گیرد، به ویژه برای خوانندگان کورد زبان. ادبیات کوردی، به عنوان یکی از شاخه‌های پویای ادبیات جهان، همواره در پرداختن به دیدگاه‌های دینی و فرهنگی سایر اقوام فعال بوده است. آثار شاعران بزرگی چون پیرمرد، به‌ویژه اشعار و پندهای وی، در بردارنده تحلیل‌ها و دیدگاه‌هایی نسبت به قوم یهود است که تاکنون به صورت پژوهشی مستقل مورد بررسی قرار نگرفته است. بنابراین، انجام این تحقیق علاوه بر پر کردن خلأ موجود در مطالعات ادبی، تاریخی و دینی کوردی،

برای دوستداران ادبیات و فرهنگ کوردی نیز ارزشمند و راهگشا خواهد بود و می‌تواند به درک بهتر روابط میان فرهنگی و دینی کمک کند.

شیوه تحقیق:

شیوه پژوهش در این مقاله شامل جمع‌آوری مطالب و روش تحقیق در آن، از نوع کتابخانه‌ای و تجزیه و تحلیل محتوا و ابزار گردآوری اطلاعات نیز فیش برداری است و رویکرد اندیشه پیرمرد در آن انتقادی است.

مبانی نظری تحقیق:

از نظر ریشه‌شناسی، کلمه یهودی در اصل از دو بخش تشکیل می‌شود: «یهو» به معنای پروردگار «دی» که در اصل سامی خود به معنای اعتراف، اقرار و جزا است. «لیئه» همسر پیامبر یعقوب (علیه السلام) از این اسم برای پسر چهارم استفاده کرد و بنا به گزارش سفر تکوین، او را «ایهودا» نامید. یهودیان به اعتبار این که یکی از دوازده قبیلهٔ عبرانی هستند، به او انتساب دارند. این کلمه بر مملکت یهودا (مملکت جنوبی) نیز اطلاق شد (المسیری، ۲۰۰۴: ۲۵۲). بعد ها معنای آن گسترش یافت و به هرکس که به دیانت یهودی ایمان آورد اطلاق شد. در تمدن یونانی و رومی، بر اعضای قوم یهود اطلاق شد. بعداً کلمهٔ یهودی برای دلالت بر نقش و وظیفه‌ای که اعضای جماعت های یهودی در میانهٔ قرون وسطا به عنوان یک جماع مزدور (کارگزار) انجام می‌دادند، اطلاق شد، به شیوه‌ای که در قرن یازدهم میلادی، کلمهٔ یهود به معنای «تاجر» به کار برده می‌شد. از این رو کلمهٔ یهودی در تمدن غربی، دارندهٔ مضامین غیر مثبتی نظیر: بخیل، نانجیب، مال پرست به کار برده می‌شد. به همین سبب مارکسیسم سرمایه داری را «یهودی سازی جامعه» محسوب کردند (همان: ۲۵۲). یهودیان، سامی نژاد و عبری هستند. به دلیل اهمیت و نفوذ خاندان «یهودا» و دورهٔ طولانی حکومت این تیره بر دیگر طوایف بنی اسرائیل این قوم یهودی خوانده شدند (هاکس، ۱۳۷۷: ۹۸۰-۹۸۱). به عبارت دیگر یهودی نیز به کسی گفته می‌شود که از یک مادر یهودی متولد شود یهودی محسوب می‌شود. براساس سنت یهود، اینکه پدر بچه یهودی باشد یا نه اهمیتی در جایگاه دینی فرزند ندارد (هینلز، ۱۳۸۵: ۹۶/۱). بنابراین بنی اسرائیل بعد از سالها زندگی در مصر عددشان زیاد شد و تا اینکه در زمان فرعون دچار ظلم و عزیت و آزارها شدند و به دلیل خراب کاری و اوصاف بد و نامقبولی که با اقوام مصر داشتند، فرعون دستور داد آن‌ها را از بین ببرد. الله (سبحانه و تعالی) پیامبر موسی و هارون را از خودشان برایشان فرستاد تا به راه راست و هدایت دعوتشان کند و فریادرسشان باشند و از دست ظلم و جور فرعون نجاتشان دهند. پس از سالها امر به معروف و نهی از منکر، موسی (علیه السلام) خبردار شد که فرعون نیاز دارد او و قومش؛ بنی اسرائیل را از بین ببرد، با امر خدا به قومش دستور خارج شدن از خاک مصر را داد و فرعون نیز آگاه شد، دنبالش گشت و موسی (علیه السلام) نیز با قومش از رود نیل عبور کردند و در خاک کنعان ساکن شدند. اما فرعون و سربازانش غرق شدند. چنانچه پیرمرد از نظر تاریخی و دینی در ابیات زیر به این واقعه اشاره می‌کند و می‌گوید: خداوند بنی اسرائیل را به موسی داد و به او امر فرمود دعوتشان کند و بافرعون مناظره کند. ولی در ابتدا موسی از فرعون ترسید. بعداً خداوند کار را برایش آسان نمود و بنی اسرائیل از او تبعیت کردند و در مقابل فرعون را برایشان از بین برد. از طرفی دیگر عیسا (علیه السلام) با آن همه معجزه الهی که داشت، از تعامل با قومش هلاک شده بود:

موسا له پيشا له فيرعه ون ترسا

به بنی ئيسرائيل كه دا به موسا

دوایی خوا وایکردبه نی ئیسرائیل

کهوتنه شوئی و فیرعهون کهوته نیل

عیساش به و هه موو موعجیزه یه وه

دامابو به دهست قه و مه که یه وه

(پیره میژد، ۲۰۰۷: ۴۵۳)

بنابراین می توان دید که در نگاه پیرمرد، قوم بنی اسرائیل نمونه «امتی سخت پذیر» است؛ امتی که با وجود دریافت نعمت نجات، بارها به کفر و عصیان بازی گردد. این برداشت کاملاً با مضمون قرآنی ماجرای سامری و پرستش گوساله همخوان است. پیرمرد با برجسته کردن خصلت «بازگشت به کفر»، پیام اخلاقی خود را نه قوم محور، بلکه دینی و عبرت آموز بیان می کند. بنابراین قوم یهود با وجود داشتن پیامبر و موسی و هارون (علیهم السلام) و کلام الهی (تورات) که رهنمودشان بود، همیشه در محوطه کفر و عصیان غوطه می خوردند. پس **تورات** یکی از کتابهای مقدس و سماوی که از طرف الله سبحانه و تعالی برای پیامبر موسی (علیه السلام) نازل شد. تورات کلمه ای عبری است و به معنی آموختن یا شریعت است (القضاء، ۱۹۹۱: ۳۸). شایان ذکر است بنا بر آیات قرآنی و مصادر معتبر توراتی که الان در دست است تحریف شده، تورات اصلی ای که برای پیامبر موسی (علیه السلام) نازل شد، نیست. می توان گفت دروغ گویی، تحریف کلام الله، یکی از خصایص اصلی **اخلاق یهودی** می باشد که به کلام خدا خیانت کردند. «مَنْ الَّذِينَ هَادُوا يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَنْ مَوَاضِعِهِ وَيَقُولُونَ سَمِعْنَا وَعَصَيْنَا وَاسْمِعْ غَيْرَ مُسْمِعٍ وَزَاعِنَا لَيًّا بِأَلْسِنَتِهِمْ وَطَعْنًا فِي الدِّينِ» (النساء: ۴۶). (برخی از کسانی که یهودی اند، حقایق [کتاب آسمانی] را [با تفسیرهای نابجا و تحلیل های غلط و ناصواب] از جایگاه های اصلی و معانی حقیقی اش تغییر می دهند، و [به زبان ظاهر به پیامبر] می گویند: [دعوت را] شنیدیم و [به باطن می گویند:] نافرمانی کردیم و [از روی توهین به پیامبر (صلی الله علیه وسلم) بر ضد او فریاد می زنند: سخنان ما را] بشنو که [ای کاش] ناشنوا شوی. و با پیچ و خم دادن زبان و آوازشان و به نیت عیب جویی از دین [به آهنگی، کلمه] را عا [را که در عربی به معنای «ما را رعایت کن» است، تلفظ می کنند که برای شنونده، راعنا که مفهومی خارج از ادب دارد، تداعی می شود]). محمد محی الدین حماده در کتاب *الاسلام وزیف الاقلام* می آورد که بسیاری از علمای یهودی و غیر یهودی بالخصوص *سیلور* بر آن اعتراف می کنند به هیچ وجه توراتی که الان در دست است آن کتاب مقدسی که الله (سبحانه و تعالی) برای موسی (علیه السلام) نازل فرمود، نیست (محی الدین، ۲۰۰۲: ۲۰۵)، بلکه احبار رهبان و بزرگان دین یهود بعد از وفات موسی (علیه السلام) برای به دست آوردن کمی از مال دنیا، از آن خیانت کردند و تحریف نمودند و طبق هوای نفسانی خود و مشتریانشان آن را نوشتند: «فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ يَكْتُبُونَ الْكِتَابَ بِأَيْدِيهِمْ ثُمَّ يَقُولُونَ هَذَا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ لِيُشْتَرَوْا بِهِ ثَمَنًا قَلِيلاً فَوَيْلٌ لَهُمْ مِمَّا كَتَبَتْ أَيْدِيهِمْ وَوَيْلٌ لَهُمْ مِمَّا يَكْسِبُونَ» (البقره: ۷۹). (پس وای بر کسانی که با دست هاشان نوشته ای را می نویسند، سپس می گویند: این [نوشته] از سوی خداست. تا با این [کار زشت و خائنانه] بهایی ناچیز به دست آورند؛ پس وای بر آنان از آنچه دست هاشان نوشت، و وای بر آنان از آنچه به دست می آورند). پس توراتی که تحریف شده و امروزه در دست یهودیان می باشد، حاوی تقسیمات زیر می باشد که دکتر امین القضاات آن ها را چنین بیان نموده است:

بخش اول: پنج سفر نخستین که عبارتند از:

- سفر التکوین (Torah): بخش اول تورات است و در مورد خلق کون و قصه آدم و حوا، نوح و طوفان تا وفات یعقوب (علیهم السلام).

- سفر الخروج(Exodus): در مورد زندگی و احوال نوادگان اسرائیل بعد از وفات یوسف(علیه السلام) در مصر تا نجاتشان از دست فرعون و زنگی چهل سالشان در مصر.
- سفر اللاوین(Leviticus): بحث از چگونگی زندگی پیروان تورات و احکام شرعی آنان است.
- سفر العدد(Numbers): درباره اعداد و احصای قبیله های بنی اسرائیل.
- سفر التثنیه(Duteronomys): درباره علم و تفکر و معجزات موسی(علیه السلام) و عبادات، معاملات، دانش معاملات، اقتصاد، سیاست و احکام شرعی یهودیان (القضا، ۱۹۹۱: ۳۸).

بخش دوم: الانبیا: به معنی پیامبران و از هشت سفر تشکیل شده است که عبارتند از: (یشوع، القضا، صموئیل و الملوک، اشعیا و ارمیا، یونیل و عاموس، عویدیا و یونان میخا و ناحوم و حبقوم و حفنا و حجای و زکریا و ملاضی...)»

بخش سوم: الکتب یا (کتابات الشعائر) در دوازده سفر و از قصه های دینی و حکمی و نشید الانشاد و قصه های غنایی و لاهو لعب تشکیل شده است (همان: ۳۹). ناگفته نماند یهود علاوه بر تورات، منبع دینی و تشریعی دیگری را نیز به نام **تلمود** دارد. تلمود به معنی بررسی و تحلیل است. به عبارت دیگر چگونگی آداب تصرف کردن با تورات است توسط حاخام ها و بزرگان دین یهود طبق خرافه و هواجس نفسانی خود در تفسیر و تحلیل تورات نوشته اند. تفسیراتی که نوشته شده نیز دو قسم است: یکی را تلمود اورشلیم گویند که حاخامهای طبریه آن را فیما بین قرن سوم و پنجم نوشتند. دیگری را تلمود بابل گویند که در قرن پنجم نوشته شد (دهخدا، ۱۳۸۹: ۲۰۸) ناگفته نماند تلمود نزد یهودیان امروز از تورات مقدس تر و منبع اصلی تشریع شان می باشد که از دو بخش اصلی: المشنات (متن) که کلمه عبری است و به معنی علم و معرفت، الجمارا (شرح المشنات) به معنی شرح و تحلیل است (سوسه، ۱۹۷۶: ۳۶۲). در این بخش از کتاب یهود دروغ ها و افطریات زیادی نوشته شده است حتی در مورد الله (سبحانه و تعالی) دروغها و افتراهای بی مرزی نوشته اند و خدا را (العیاذ بالله) به دروغگو و نقصان توصیف می کنند: «وَيَقُولُونَ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَمَا هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَيَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ وَهُمْ يَعْلَمُونَ» (العمران: ۷۸). [با بی شرمی] می گویند: آنچه می خوانیم از سوی خداست. در حالی که از سوی خدا نیست؛ و با آنکه می دانند [از سوی خدا نیست] به خدا دروغ می بندند. اما در مقابل حاخام و بزرگان خود را معصوم و بالاتر از الله (سبحانه و تعالی) توصیف می کنند. (سوسه، ۱۹۷۶: ۳۶۲). معنی دلیل بر این است و جای تعجب نیست چنین قومی فریبنده و بدکار از ایام الزمان تا امروزه به نام یهود وجود دارد چون تعلیم شده از چنین کتابی هستند که محرفین و بزرگان دینشان برایشان نوشته اند و رعیت نیز اطاعت می کنند. در حالی که کلام الله را می شنیدند اما اطاعت نمی کردند: «قَالُوا سَمِعْنَا وَعَصَيْنَا وَأَشْرَبُوا فِي قُلُوبِهِمُ الْعِجْلَ بِكُفْرِهِمْ» (البقره: ۹۳) (گفتند: شنیدیم و [در باطن گفتند]: نافرمانی کردیم. و به سبب کفرشان دوستی گوساله با دل هایشان در آمیخت). این است که قوم یهود را بر خدا و فرشتگان و تمام مخلوقات برتر می دانند. حتی اقوام ملت های دیگر را در مقابل خود انسان نمی شمارند. ناگفته نماند آوردن بحث دو منبع اصلی (تورات و تلمود) علاوه بر لازمه شناخت اندیشه یهود، رابطه اش با اخلاق یهودی و اندیشه پیرمرد در این است چون ادعای اخلاق یهودی، داشتن چنین اوصاف منفی این قوم از این دو کتاب سرچشمه گرفته است که در اصل آن تحریف و تزویر و تأویل فاسد شده است و حقیقت این قوم را ترسیم کرده است و پیرمرد شاعر نیز بر مبنای آموزه های دینی و اطلاع بر این منابع به اوصاف منفی این قوم در اشعار خود پرداخته است. یهودیت اگرچه اصرار دارد که مباحث اخلاقی موجود از جمله: پیروی از خدا، محبت برادرانه، تواضع

و فروتنی، نیکوکاری و صدقه، درستکاری، عفو و بخشش و غیره در تورات و تلمود، ناظر به همه انسان‌هاست، اما شواهد بسیاری وجود دارد که این مسئله را رد می‌کند. چنانچه گفته شد یهودیان، خود را از نظر قومی و نژادی، برتر از سایر اقوام و ملل می‌دانند. در نتیجه، می‌بایست خود را از ملل و اقوام دیگر جدا سازند. همان‌طور که بیان شد، یهود ادعا می‌کند که اصول اخلاقی آنان جهان‌شمول بوده، شامل همه انسان‌ها می‌شود. محبت به «هم‌نوع»، یکی از آنها بود. اما واژه‌ی «هم‌نوع» در تلمود بارها به «یهودیان» تفسیر شده است نه کافران و بت‌پرستان (کهن، ۱۳۵۰: ۲۳۳). یهود جز قوم خود را قبول ندارد و کافر می‌پندارد. اما نکته‌ی مهمی که نباید از آن غفلت کرد این که، برخی نویسندگان مدافع اندیشه بشریت‌محور اخلاق یهودی، مانند «کهن» نویسنده‌ی کتاب گنجینه‌ی/ی از تلمود، که دیدگاه‌های وی درباره‌ی اندیشه بشریت‌محور اخلاق یهودی مطرح شد، در مقدمه‌ی این کتاب اعتراف می‌کند که به‌سختی می‌توان انتظار داشت که همه نظریات درباره‌ی یک موضوع به‌خصوص که در این کتاب آمده است، هماهنگ و یکسان باشد. ما معمولاً با نظرهای گوناگونی مواجه هستیم که غالباً متناقض با یکدیگرند. به همین جهت، عرضه داشتن یک عقیده، به‌صورت مرتبط و منطقی، کار آسانی نیست (همان: ۱). به‌علاوه، خود نویسندگان دیدگاه‌های مخالف این نظر را نیز بیان داشته است و اظهار می‌دارد که در تلمود، اخلاق قوم‌محور نیز وجود دارد. اگرچه تنها به موارد اندکی اشاره کرده است تا دیدگاه خود را به پذیرش عمومی برساند، اما به‌نظر می‌رسد، دیدگاه‌های قوم‌محور در تلمود، به‌قدری زیاد است که به‌سادگی نمی‌توان گفت که اخلاق موجود در یهود، بشریت‌محور است. در مقابل دین اسلام، که دین گسترده و جهان‌شمول می‌باشد. «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ» (الأنبیاء: ۱۰۷).

بحث و بررسی:

در این بخش از مقاله که بخش اصلی و کلی مقاله است و واکاوی اشعار پیرمرد در مورد رفتار و کردار قوم یهود و صفات منفی ایشان به عنوان «**اخلاق یهودی**» که زیرمجموعه‌ی برخی صفات منفی از جمله خود برتری‌ی قومی و نژادی، دروغ‌گویی و پیمان شکنی، فتنه انگیزی، مال پرستی و بخل (کریمیان، ۱۳۸۴: ۱۶۵ و ۱۶۶) این قوم می‌باشد مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد که ابتدا به تعریف و بحث اصطلاح «**اخلاق یهودی**» و مضامین آن اختصاص می‌یابد و بعداً هریک از آن صفات مذکور قوم یهود با پشتیبانی اشعار و پندهای پیرمرد مورد بحث و بررسی قرار خواهد گرفت:

اخلاق یهودی:

حق است بدانیم که همه ادیان آسمانی از سرچشمه پاک و زلالی نشأت می‌گیرند؛ چون ادیان آسمانی، کلام خداوند کریم است و تأثیر نیک او در روح انسان هستند. باید تأکید کنیم که اگر شرّی باشد، ناشی از انسان است، و باید این کلام الله را بازخوانیم که فرمود: «إِنَّا أَنْزَلْنَا التَّوْرَةَ فِيهَا هُدًى وَ نُورٌ يَحْكُمُ بِهَا النَّبِيُّونَ الَّذِينَ أَسْلَمُوا لِلَّذِينَ هَادُوا» (مائده: ۴۴) (ما تورات را نازل کردیم که در آن هدایت و نور بود و پیامبران که تسلیم در برابر فرمان خدا بودند، با آن، برای یهودیان حکم می‌کردند). می‌پذیریم که یهودیت اساساً یک دین آسمانی است که به راه هدایت فرامی‌خواند، ولی در طول تاریخ، دچار شوائب و انحرافات شده است. مردمان یهود با آنکه در طول تاریخ به کشورهای و فرهنگ‌های مختلف تعلق داشتند، از صفات و رفتارهای مشابهی برخوردار بودند که از آن به «**اخلاق یهودی**» تعبیر شده است. این اصطلاح که بیانگر مهمترین شاخصهای شهوی های رفتاری آنان است، عمدتاً بر پایه برخی از شناسه های اخلاق اجتماعی و رفتاری این قوم مانند، خودبرتری‌ی قومی و نژادی، دروغ‌گویی و پیمان‌شکنی، فتنه انگیزی، پول پرستی و

بخل استوار است. (کریمیان، ۱۳۸۴: ۱۶۵ و ۱۶۶). پیرمرد شاعر نیز این صفات مشهود یهود را با نمونه ابیات شعری به شیوه های زیر از نظر دینی و اخلاقی بیان می کند:

خودبرتربینی قومی و نژادی:

اندیشه قوم برگزیده از بنیادی ترین مباحث و مسئله ای است که همواره در تاریخ قوم یهود مطرح بوده است. یهودیان بسته به دیدگاهشان در این مسئله، رویکردی انحصار گرایانه یا توأم با تساهل و تسامح در برابر پیروان سایر ادیان در پیش گرفته اند. بنابراین دعوی برگزیدگی و برتری قومی یهود با توجه به شاخصهایی که برای احساس برتری می توان برشمرد و نیز تجارب تاریخی که این مردم از سرگذرانده اند، مایه تعجب است. این احساس برگزیدگی از نظر متفکران، توهم بی پایه ای است که بیش از همه ملل در میان بنی اسرائیل جای دارد (ابن خلدون، ۱۳۶۶: ۲۵۵). درعین حال عبارات بسیاری در متون دینی و تفسیری یهود بر برتری طلبی نژادی و قوم یهود تأکید دارد، تا جایی که در بیشتر مواقع همه انسانها را به دو قسمت «ما» و «دیگران» تقسیم می کنند. بیگمان این شیوه تفکر در نتیجه شیوه مذهبی شان است که می پندارند برگزیده اند (آدلر، ۱۳۸۴: ۷۴). زاویه دیگری که این مسأله از طریق آن تفسیر می شود، این است که امکان آمیزش و پذیرش یهودیان در جوامع بیگانه به سبب وجود هویت، شخصیت، طبیعت تاریخ و یا جوهر یهودی آنان وجود ندارد. شکی نیست که نمی توان اهمیت پاره ای از جوانب نظام دینی یهودی نظیر عقیده «امت برگزیده» و شعارهای فراوان دیگری را در زمینه تشجیع یهودیان به انزوا وجود دارد، انکار کرد؛ به گونه ای که بیان می کند یهودیان از گلی غیر از گل دیگران آفریده شده اند (المسیری، ۲۰۰۴: ۳۳). ادعای برگزیدگی از جانب خداوند بیدرنگ به افراطی ترین شکل برتری طلبی، یعنی تقسیم مخلوقات به یهود و بهایم که از آموزه های یهودی تلمود است، می انجامد (مغنیه، ۱۹۸۴: ۱۰۶). موارد زیر به عقیده آنها نمونه هایی از آیات توراتی و کتب عهد عتیق در آن برگزیدگی یهود است:

... زیرا که شما برای خداوند، خدای خود؛ قوم مقدسید. خداوند. خدای شما. شما را برگزیده است تا آنکه از تمامی قبایلی که در روی زمین اند از برایش قوم مخصوص باشید (سفر تثنیه، ۷/۷).

... و برای من مقدس باش؛ **دی** زیرا من که خداوند قدوس هستم، شما را از سایر طوایف جدا کردم تا از آن من باشید (سفر لویان، ۷/۲۰) ... تا قوم مرا از مصر بیرون آوری ... (سفر خروج، ۱۰/۳)

... امروز خداوند می خواهد شما را به عنوان قوم خود تأیید کند و خدای شما باشد؛ همانطور که به شما و به پدرانان ابراهیم و اسحاق و یعقوب وعده داده بود ... (سفر تثنیه، ۱۳/۲۹).

چنین عبارات در متون تفسیری یهود چنان بسط داده شد که تلمود آورده است: ما ملت برگزیده خداوند دو نوع حیوان را لازم داریم: یکی حیوانات زیان بسته چون چارپایان و پرندگان و دیگری انسانهای غیریهود اعم از ملل شرق و غرب (مغنیه، ۱۹۸۴: ۲۲۶). دکتر فواد رفاعی در کتاب *حقیقت یهود* و از زبان آنان می آورد که می گویند: **لؤلّم یخلق الیهود لانعمدت البرکه من الارض ولما خلقت الامطار والشمس** - یعنی اگر قوم یهود نبود زمین برکتدار نمی شد و زمین و خورشید نیز برای یهود خلق شده اند (الرفاعی: ۱۴۰۶: ۱۷). یا اینکه می گویند: **الا جانب غیر الیهود کالکلاب** - یعنی: بجز یهود تمام انسایت سگ هستند (همان: ۱۸). یا اینکه می گویند: **الامم الخارجه عن دین الیهود لیست کلابا فحسب، بل حمیرا ایضا** - یعنی: اقوام خارج از مله دین یهود تنها سگ نیستند بلکه خر هم هستند (همان: ۱۸). احساس برگزیدگی

در تفکر مذهبی یهود به تدریج به گونه ای از نژادپرستی می انجامد. منابع دینی و این احساس یهودی چنان پیوند میابند که هم اکنون می توان گفت اعتقاد برتری نژادی از پایه های تورات است. موضوعی که در فصول متعددی از عهد عتیق مورد تاکید است. اما اقوال درست در مورد این قوم در قرآن مجید است که یهود را به عنوان قاتلان پیامبران مورد سرزنش قرار میدهد «إِنَّ الَّذِينَ يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَيَقْتُلُونَ النَّبِيِّينَ بِغَيْرِ حَقٍّ وَيَقْتُلُونَ الَّذِينَ يَأْمُرُونَ بِالْقِسْطِ مِنَ النَّاسِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ» (آل عمران: ۲۱). کسانی از یهود که پیوسته به آیات خدا کفر می ورزند، و همواره پیامبران را به ناحق می کشند، و از مردم کسانی را که امر به عدالت می کنند به قتل می رسانند، پس آنان را به عذابی دردناک بشارت ده). انتخاب و برگزیدگی قوم یهود مشروط است و تنها در سایه ایمان به خدا همراه با عبادات و وفاداری رعایت عهد و میثاق به دست می آید که این قوم به آن وفا نمی کنند و در غیر این صورت، این موهب عظیم الهی از آنان گرفته خواهد شد. در سفر تثنیه پس از ذکر نعمات و برکاتی که خدا در سرزمین موعود به این قوم خواهد داد به آن ها هشدار داد که اگر دیگر خدایان را عبادت کنند و شرک بورزند و قوانین الهی را پاس ندارند لعنت و عذاب خدا، رسوایی و خواری و سرگردانی در میان سایر ملل و انواع و اقسام گرفتاری ها و بیماری ها گریبان گیر آنان خواهد شد (تثنیه، ۱۳: ۲۸-۳۷). در هیچ کتابی از کتابهای خود نیست که خداوند از خشم و غضب خود بر قوم بنی اسرائیل و ویرانی شهرها و آوارگی مردمانش سخن نگفته باشد (همان، ۶: ۹-۸). همچنین در این معنی در قران کریم آمده است که پیمان و عهدی که خداوند با آنان بسته دو طرفه بوده است: به پیمانم وفا کنید تا به پیمانتان وفا کنم، اما جز اندکی همگی به حالت اعراض روی آوردند «وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ» (البقره: ۳۹). (و کسانی که کافر شدند و آیات ما را تکذیب کردند، اهل آتشند و در آن جاودانه اند). ناگفته نماند قران کریم از فضیلت بنی اسرائیل به عنوان نعمتی یاد می کند که خداوند پس از آن به ایشان ارزانی داشت که آزار و ازیت خواری فرعونیان را عمل کردند. در آیات بسیاری به فضیلت و برتری بنی اسرائیل بر جهانیان در گذشته آمده است (همان: ۴۷، ۱۲۲؛ اعراف: ۱۴۰؛ جاثیه: ۱۶؛ دخان: ۳۲). باید بدانیم که از دیدگاه قران، قوم یهود در مقطع زمانی خاصی و آن هم در قلمرو جغرافیایی خودشان بر سایر اقوام برتری و منزلت جایگاه ویژه ای یافتند. از نظر قران کریم فضیلت و برتری قوم یهود پایدار نماند و به خاطر کفر، افترازدن به الله (سبحانه و تعالی) اعمال بد و ناشایست و خلاف شرعی که انجام دادند، از این موهب الهی محروم شدند و سرنوشتشان این گونه رقم خورد که تا روز قیامت میان آن ها عداوت و دشمنی برقرار است و فساد در زمین را پیشه خود خواهند ساخت (ر.ک. مائده: ۶۴). به خاطر کفر ورزیدن به آیات الهی، کشتن ناحق انبیای خدا، عصیان تعدی و تجاوز تا ابد خوار و ذلیل خواهند بود و مجازات سنگینی در قیامت در انتظار ایشان خواهد بود (ر.ک. همان: ۴۱). از نظر دینی و اخلاقی باید گفت سراسر تاریخ یهود، چیزی جز تبیین و بیان این الگو، مکر و توطئه ازلی مستمر نیست و از این طریق، یهود مسوول همه زشتی ها و شرارت ها در همه مکان ها و زمان ها است؛ برای مثال آنان کسانی هستند که در پی ریختن خون عیسای مسیح (علیه السلام) بودند، پیامبر اسلام محمد (صلی الله علیه و سلم) را مسموم، اسرائیلیات را به دین حنیفیت اسلام تزریق کردند. همچنین بر روزنامه ها و تمام وسایل ارتباط جمعی جهان (رسانه ها) حکم می رانند. بنابراین همواره برای کمک به فاسد کردن تمام جهان، با عالم جرم و جنایت و بد اخلاقی در ارتباطند. چنانچه امروزه خیانت ها و ظلم های یهود را بر تمام اقوام بالخصوص مسلمانان می بینیم که چگونه بی رحمانه، بدون اخلاق انسانی و دینی ظلم می کنند، آنها را می کشند و کشورشان را اشغال، دیارشان را خراب می کنند. البته این وعده ای است که در (آیه: ۴۰ه سورۃ الاسراء) درباره فساد و ظلم یهود پیش بینی و بحث شده است اما زیاد طول نمی کشد و به فناء خود یهود به انجام خواهد رسید. ناگفته

نماند پیرمرد در ابیات زیر از نظر اخلاقی و دینی درباره همان تفکر خود برتریابی قومی و نژادی این قوم می‌گوید: همین تفکر بود که باعث مغروریت و کبرشان شد تا اینکه به دلیل داشتن فنون و تکنولوژی بر دیگر اقوام ظلم کنند و دنیا را به فلاکت برسانند با این باور هرآنچه که نیروی بیشتری دارد و تاثیری بر اطرافیان بیشتر است در جهان صاحب مقام والتری است:

ئێستا ئه‌وانه‌ی له فه‌ن بون په‌یدا خه‌ریکن که قه‌رخه‌نه دنیا
هه‌رچی ته‌ئسیری کوشنده‌تره له ده‌وله‌تاندا برنده‌تره

(پیره‌مێرد، ۲۰۰۷: ۲۰۰)

در ابیات بعدی پیرمرد اذعان دارد که قبلاً آنان که زیر سلطه و تفکر یهود می‌باشند ما ملت‌های مسلمان را متهم به وحشیگری و اهل شقاوت محسوب می‌کردند درحالی‌که ما در مقابل آنها سهیم ظلم و نادادی نیستیم و از کجا ما به دیگران ظلم کردیم؟ و با وسایل جنگی خطری برای دیگران ایجاد کردیم؟ از بمباران کردن و شمیایی زدن؟ در حالیکه آنها جای آرامی را در بحر و بر و آسمان باقی نگذاشتند:

جاران ئه‌یانگوت ئه‌هلی شه‌ق و وه‌حشین له‌چاو ئه‌واندا ئیمه‌ بێ به‌شین
که‌ی به‌ بۆن ئیمه‌ خه‌لکمان ئه‌خنکاند که‌ی به‌ ته‌یاره‌ بۆم‌بامان وه‌شاند
له‌ به‌حر و به‌ر و ژێر زه‌وی و هه‌وا جێ سهرخه‌وێکی ره‌حه‌تی نه‌ما

(همان: ۲۰۰)

در ادامه حرف را خلاصه تر می‌کند و این بی‌بندوباری و نابسامانی اوضاع را می‌بیند که به وسیله آنها فاقد آرامش و زندگی است؛ به عنوان یک فرد مؤمن حرف را می‌برد به طرف قیامت و جایی که تمام نفس‌ها باید جزای افعال‌شان را بگیرند. همچنین می‌گوید ما؛ امت مسلمان به خدا و قیامت عقیده داریم و تمام این نابسامانی‌ای که آن‌ها به بار آورده اند جزایش را در قیامت خواهند دید و در مقابل عاقبت آینده خوب را برای اهل ایمان قرار می‌دهد:

توخوا لێگه‌رێ با بېرێته‌وه روژی قیامه‌ت نزیک بێته‌وه
قازانجی ئیمه‌ی تیا به‌ ده‌وره ئیمه‌ باوه‌رمان به‌ حه‌شر و نه‌شره

(همان: ۲۰۰)

دروغگویی و پیمان شکنی:

کذب به عنوان یکی از نامقبولترین صفات اخلاقی و دینی، از آغاز خلقت مورد نکوهش و تقبیح عقل، وجدان، ادیان الهی و جن و انس قرار گرفته است. نه تنها عملی غیراخلاقی، بلکه رفتاری نا انسانی و ضد دینی است که پیامدهای مهلکی بر فرد و جامعه دارد. از منظر قرآن، قوم یهود در طول تاریخ دچار این صفت ناپسند شدند و با تحریف کلام الله و دروغ‌گویی، باعث انحراف جامعه خود شدند «وَإِنَّ مِنْهُمْ لَفَرِيقًا يَلُؤُونَ أَلْسِنَتَهُم بِالْكِتَابِ لِتَحْسَبُوهُ مِنَ الْكِتَابِ وَمَا هُوَ مِنَ الْكِتَابِ وَيَقُولُونَ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَمَا هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَيَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ الْكُذِبَ وَهُمْ يَعْلَمُونَ»

(آل عمران: ٧٨). (و از یهود گروهی هستند که هنگام [خواندن] دست نوشته‌ها [ی دروغ و بر بافته‌های خود] زبان [و صدایشان] را چنان پیچ و خم می‌دهند تا شما گمان کنید که [آنچه می‌خوانند] از کتاب آسمانی است، در حالی که از کتاب [آسمانی] نیست؛ و [با بی‌شرمی] می‌گویند: آنچه می‌خوانیم از سوی خداست. در حالی که از سوی خدا نیست؛ و با آنکه می‌دانند [از سوی خدا نیست] به خدا دروغ می‌بندند. همچنین دیدگاه پیرمرد از نظر دینی و اخلاقی، پیرامون نانجیبی، بی‌عهدی این قوم این است که میگوید: دوباره خم شهادت یهودی شکست و پرنده دروغش را به پرواز انداخت. ریشه در آسیاب، فتنه و آشوب دارند و در وسط بزرگان ده اخراج و غریب و بی‌خان و مانند. طرفی باکبر و دست به گرز ظلم، در پی قطع نان و قوت شیرزادگانند و حریفانشان گویند شیرزادگان نامه فتح را در چنگ دارند:

دیسان خومخانه‌ی یه‌هودی شیوا	درۆی بالدارى لیکه‌وته هه‌وا
ده‌وه‌ن به ئاشه و دوبه‌ره‌کیه	پیر ته‌ریکه و تیا ده‌ره‌کیه
یه‌کێ به گورزی له‌نده‌هور ئه‌خورێ	نان و دۆی تیره‌ی شیرزادی ده‌برێ
ئە‌وی تر ئه‌لێ له‌نده‌هور کێیه؟	شیرزادی نامه‌ی فه‌تحيان پێیه

(پیره‌مێرد، ٢٠٠٧: ٨٠)

همچنین شاعر بنابر اطلاع افقی و همه‌جانبه در مورد یهود و دروغ و بی‌عهدی این قوم، در ابیات زیر دروغگویی را یک صفت معلوم و مطلق قوم یهود می‌داند و حتی دروغگویی و خیانت زمان خود را نیز به این قوم منصوب می‌کند و خصایصی از آن‌ها می‌داند که در جامعه ریشه افکنده است. باعث عدم احترام و ادب در دنیا شده‌اند به نحوی گویی همه با یهود شیرخورده‌اند. خیر و شر، خوب و بد را کس از هم جدانمی‌توان کرد:

جاران جوله‌که خومی ئه‌شیوا	ئه‌که‌وته درۆ و قوری ده‌پێوا
ئێستا بۆ ئه‌وه‌ی که خوم بشیوی	درۆی واده‌که‌ین به‌قه‌ده‌ر کێوی
ئە‌لێن بۆ مه‌ئموڕ مه‌نشور دراوه	خاتر و خۆتر بۆ‌که‌س نه‌ماوه
که‌چی پێگوره‌ داشی دامه‌یه	نازانین ته‌فی و شه‌قی کامه‌یه

(همان: ٥٦)

همچنین در ادامه بیان می‌کند که رفتار و رخدادهای زمان خویش سرشار از دروغ شده است. رسانه را به طور کلی وسیله این نابسامانی اخلاقی می‌داند و بالخصوص «رادیو» اما امروزه تمام رسانه‌ها را در بر می‌گیرد و آن را تحت سیطره یهود می‌داند که هرچه می‌گویند، برخلاف حقیقت است و آن را با ظلم و دروغ آغشته‌اند و مدام در پخش بذور دروغند:

خۆزگه ئه‌مسائیش له‌که‌ناری زه‌لم	له‌ناو نێرگسدا رائه‌کشام وه‌ک به‌لم
ساتێ له‌ رادیوی شۆرش دورته‌بوم	رادیۆم لیبوه به‌ ئاوازه‌ی بوم
جاران جوله‌که خومی ئه‌شیوا	به‌ درۆ پیاویان ئه‌کرد به‌ کێوا

ئێستا کارخانه‌ی درۆ رادیۆیه
هیچ کهس نازانی که راست له کوێیه
(همان: ۲۴۷)

هه‌رچه‌ند که رادیۆ ده‌نگ ده‌داته‌وه
یاره‌بی مائی درۆیان شیوی
بۆیه له درۆ ناپه‌رمونه‌وه
له‌مه‌یشا په‌نجه‌ی جوله‌که‌ی تیاپه
گوئی ئه‌گرم بۆ راست به‌ ئاواته‌وه
درۆی واده‌که‌ن ئه‌وه‌نده‌ی کیوی
چونکو رۆبه‌روی یه‌که‌ نابنه‌وه
خومی شیواوه که‌وتۆته‌کایه
(همان: ۲۶۳)

وا دیسان خومی جوله‌که‌ شیوا
درۆ بال ئه‌گرئ و ئه‌فرئ به‌ کیوا
(همان: ۴۳۰)

فتنه‌ انگیزی:

سبب اساسی خیانت و تمام فتنه‌ انگیزی ها دروغ و بی عه‌دی است که یکی از ویژگی‌های فطری این قوم می باشد. پیرمرد از نظر دینی و اخلاق در ابیات بعدی نتنها دروغ، بلکه شروریت این قوم و **فتنه‌ انگیزی** شان را «لَتَجِدَنَّ أَشَدَّ النَّاسِ عَدَاوَةً لِلَّذِينَ آمَنُوا الْيَهُودَ وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا» (المائدة: ۸۲). (یقیناً سرسخت ترین مردم را در کینه و دشمنی نسبت به مؤمنان، یهودیان و مشرکان خواهی یافت). در عهد خود بیان می کند که کلید تمام فتنه و آشوب و جرقه‌ جنگ و دعوا بودند:

جوی گه‌ری گه‌رۆک لیمان که‌وته‌ گه‌ر
هه‌را ئه‌خاته‌ ناو به‌شه‌ر به‌ شه‌ر
نازانن ئه‌وه‌ی که‌ پیی ده‌نازن
که‌سیان خوش ناوی سیاسه‌ت بازن
ئه‌مڕۆ جوله‌که‌ راست ئه‌که‌نه‌وه
هه‌ر بۆ ئه‌وه‌یه‌ گه‌ره‌و به‌رنه‌وه
(پیره‌مێرد، ۲۰۰۷: ۵۰۶)

پس یهود از هیچ قوم دیگری بجز خود راضی نیست و در پی نصرتش نمی باشد؛ در مقابل هیچ قوم دیگری از قوم یهود خوشش نمی آید و مورد اعتماد شان نیست. این است پیرمرد در یکی از ابیات زیر در وصفشان با تعجب می گوید: باید چه کسی باشد که امیدش به یهود باشد؟ در حالیکه آدم دستشویی را تنها برای مدفوع می خواهد:

ئه‌گینه‌ کئ بی هیوای به‌ جو بی
ئاو ده‌سته‌خانه‌مان ئه‌ی بۆ گو بی
(همان: ۵۰۶)

همچنین اذعان می کند تمام ملت ها یهود را امتحان کردند و صفت خوبی را در آنها ندیدند، آنها را از خاک خود بیرون کردند و مهمانی خیانتکارانه‌ آنها را قبول نکردند. بدینوسیله امت اسلامی بالخصوص ملت کورد باید آگاه باشد و به دین

اسلام پایدار بمانند؛ و می‌گوید: چراکه امروزه مردم از دین الله دورافتاده اند اگر بخواهند از نیرنگ و فتنه انگیزی های این قوم سلامت باشند، باید توبه کنند و به خداپرستی بازگردند چراکه سبب اصلی موفقیت و پیشرفت می باشد:

قه‌ومی جوله‌که‌ی تاقی کرده‌وه	هه‌مو ده‌وله‌تیک به خو و کرده‌وه
ده‌ریان په‌راندن و لییان که‌وته‌ن قین	خاسیه‌تییکی راستی تیا نه‌دین
خوا ئه‌یکا ده‌ستمان له دینمان به‌ردا	ئیمه ئه‌مه‌مان که دی به‌سه‌ردا
هه‌رله پێشه‌وه‌ین و ناکه‌وینه دوا	ئێستاش ئه‌گه‌ر بی و رو بکه‌ینه خوا

(همان: ۵۰۶)

در ابیات زیر می‌گوید اگر برای حمایت از عقیده و دینمان جهادکنیم، چنانچه در گذشته، صلاح الدین ایوبی (پدر بزرگ کوردها) جهاد پیشه کرد و حق تمام مسلمانان را از آنها گرفت. همچنین ما نیز آن سنت بزرگان را در پیش بگیریم و دست را به عروه الوثقی بگیریم و بر دشمنان دین و ملت، موفق خواهیم:

ئه‌گه‌ر له‌سه‌ر دین هه‌لسین بۆ جهیاد	صلاح الدین ی کورد بئینه‌وه یاد
به‌گیان تیکۆشین بۆ دین وه‌ک دوێن	گه‌ر و ته‌شقه‌له‌ وازمان لی دێن

(همان: ۵۰۶)

بنابراین **فتنه انگیزی** از جمله ویژگیهای پایدار در حیات فکری و اجتماعی یهود است. امری که بی‌گمان یکی از مهمترین دلایل پرتنش بودن روابط میان مردمان یهود و پیروان ادیان و ملت‌های دیگر به‌شمار می‌رود که پیامد آن نیز پیدایش روحیه یهودستیزی در جهان و بالخصوص میان اروپاییان و سرگردانی و آوارگی دائم و تاریخی یهود است. شایان ذکر است در مقاله حاضر، هر جا واژه «یهودی» به کار می‌رود، منظور یهودیت اصیل زلال و خالص آل یعقوب (علیه السلام) نیست، بلکه منظور منحرفانی هستند که بعد از آن‌ها کتاب الله (سبحانه و تعالی) را تحریف کردند و دین یهودی را به مجموعه‌ای از قوانین شیطانی و آیین‌هایی تبدیل کرده‌اند که در خدمت اهداف مشکوک سیاسی و دنیوی‌اند؛ منظور تمام آنانی است از دیرزمان تورات را تحریف، تعطیل نمودند و تلمود را جایگزین آن کردند و اطاعت کردند. خلاصه «تلمودیان» هستند که به تحرورات پرداخته و تفاسیری از تورات را در آن جعل نموده‌اند. (کریمیان، ۱۳۸۴: ۱۶۵ و ۱۶۶).

مال پرستی:

علاوه بر تاریخ گذشته در عصر جدید نیز یهودیان در پشت همه انواع فساد اخلاقی آشکار و پنهان در جهان غرب، عرب و بلکه سراسر جهان قرار دارند. امروزه به طور آشکار دیده می‌شود که چه نیت فاسد و اعمال زشتی دارند و به فتنه انگیزی بین اقوام و ملتها و شروع جنگ در جهان و خاورمیانه شدند. برای مثال آنها پشت توطئه‌های محافل ماسونیت قرار دارند و آن را به عنوان ابزاری برای تحقق توطئه خود بنیان نهادند و قصد فساد کشاندن اسلام و همه عقاید را دارند. آنها باعث ظهور سرمایه‌داری با همه‌پلیدی‌هایش، بلشویسم با همه وحشی‌تیش، لاابالگری با همه‌ویرانگری‌اش شدند. آنها بر سرمایه‌جهانی و حرکت کمونیسم سیطره دارند. ناگفته نماند قوم یهود در طول تاریخ،

همواره موضوع تحلیل‌ها و نقدهای دینی، فرهنگی و تاریخی بوده‌اند. از جمله مهم‌ترین موضوعاتی که در متون اسلامی، در قرآن کریم، برخی رفتارهای یهودیان زمان پیامبر اکرم (صلی الله علیه وسلم) نقد شده است، از جمله: **بخل و حرص مالی**: «وَأَخْذِهِمُ الرِّبَا وَقَدْ نُهُوا عَنْهُ وَأَكْلِهِمْ أَمْوَالَ النَّاسِ بِالْبَاطِلِ...» (النساء: ۱۶۱) (وهم بدین جهت که ربای می‌گرفتند، در صورتی که از ربا خوردن نهی شده بودند، و هم از آن رو که اموال مردم را به باطل می‌خوردند. و ما برای کافران آنها عذابی دردناک مهیا ساخته‌ایم). یهودیان، مردمی بخیل در بیان خصوصیات پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله وسلم) بودند: «وَلَا يَخْسَبَنَّ الَّذِينَ يَبْخُلُونَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ هُوَ خَيْرٌ لَّهُمْ بَلْ هُوَ شَرٌّ لَّهُمْ سَيُطَوَّقُونَ مَا بَخُلُوا بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلِلَّهِ مِيرَاثُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ» (آل عمران: ۱۸۰). (و کسانی که خدا به آنچه از فضلش به آنان داده بخل می‌ورزند، گمان نکنند که آن بخل به سود آنان است، بلکه آن به زیانشان خواهد بود. به زودی آنچه به آن بخل ورزیدند در روز قیامت طوق گردنشان می‌شود). همچنین در (آیه ۶۴ المائدة) برای الله (سبحانه و تعالی) افترا زدند و با چشم بخل و مال اندوزی به او ظن بردند، او را بخیل شمردند در مقابل خداوند آنها را بخیل می‌شمارد و می‌فرماید: «وَقَالَتِ الْيَهُودُ يَدُ اللَّهِ مَغْلُولَةٌ غُلَّتْ أَيْدِيهِمْ وَلُعِنُوا بِمَا قَالُوا بَلْ يَدَاهُ مَبْسُوطَتَانِ يُنفِقُ كَيْفَ يَشَاءُ» (المائدة: ۶۴) (و یهود گفتند: دست الله [نسبت به تصرف در امور آفرینش، تشریع قوانین و عطا کردن روزی] بسته است. دست هاشان بسته باد و به کیفر گفتار باطلشان بر آنان لعنت باد؛ بلکه هر دو دست خدا همواره گشوده و باز است [به هر چیز و به هر کس] هر گونه بخواهد، روزی می‌دهد). همچنین منابع اروپایی و آثار فلسفی به آن اشاره شده، صفاتی چون **مال‌دوستی، بخل، رباخواری، سودجویی و فریب اقتصادی** است. در قرون وسطی، یهودیان اروپا به دلیل محدودیت‌های قانونی و تبعیض‌های اجتماعی (مانند ممنوعیت کشاورزی یا عضویت در اصناف)، وارد حرفه‌هایی چون صرافی، وام‌دهی و تجارت مالی شدند. همین جایگاه موجب شکل‌گیری تصویر «یهودی سودجو و رباخوار» در ادبیات و فرهنگ عمومی شد (عجاج، ۱۳۹۸: ۱۸). در قرن نوزدهم، با گسترش بانک‌داری و سرمایه‌داری، نظریه‌های توطئه‌آمیز درباره نفوذ یهودیان در نظام مالی جهانی شکل گرفت. اوج این نگاه در سند جعلی پروتکل‌های مشایخ صهیون قابل مشاهده است (همان: ۹۴-۱۱۰). این صفات منفی یهود تنها یک ادعا نیست و بعضی از روشنفکران خود یهودیها بر صفات این قوم نظریات حقیقی خود را بیان کرده‌اند که عین صفات حقیقی یهودیها را ترسیم می‌کند برای مثال یکی از آن‌ها کارل مارکس می‌باشد که خود یهودی تبار است و با دیدگاه انتقادی به روحیه مالی یهودیان نگریسته است. مثلاً در مقاله معروف خود درباره مسئله یهود می‌نویسد و می‌گوید: **خدای واقعی یهود، پول است. دین یهود چیزی جز سود و فایده نیست** (مارکس، ۱۸۴۴: ۴). در این مورد پیرمرد در بیت زیر همانطور که صفت حفظ قوی را به نابینا می‌بخشد، صفت حسابداری و ریزه کاری در مال اندوزی را به یهود می‌دهد، چون در میان عامه مردم بالخصوص ما کوردها وقتی که یک صفت را به کسی یا طرفی بخشیده میشود، آن صفت همراه با نام آن فرد آورده میشود. بدین شیوه که پیرمرد آورده است، قوم یهود در مال اندوزی و حسابات مالی و اقتصادی، در تمام دنیا شناخته شده است. در میان مردم، بعضی افراد صفت بخل و مال پرستی را همراه با صفت ترسوئی افراد این قوم نیز می‌آورند:

کوئیر و حافیزه جوله که و حیساب

به‌نگ و که‌سای ده‌ولت و شهراب

(پیره‌مژد، ۲۰۰۷: ۴۹)

در نهایت بنا بر بحث و بررسی صفات منفی مذکور یهود در طول تاریخ، دیدگاه دینی و اخلاقی پیرمرد درباره آن، ظلم و نابسامانی این قوم در قبال بشریت بالخصوص مسلمانان و اشغال سرزمین هایشان، باعث تعمیر بنیان ریخته مسلمانان شد:

دیموقراتیه‌کان که بۆ صهیۆنی عه‌ره‌بی نه‌جیب بخه‌نه نه‌بونی
هیچ فه‌رقیان نابێ له‌گه‌ڵ ئه‌لمان گوێمان لێ ئه‌بێ بۆ ئه‌له‌مان

(همان: ۴۹۵)

همانطور که پیرمرد در ابیات زیر به اوضاع زمان خویش اشاره نموده است چنین ظلمی توسط یهود، علیه مسلمانان موجب یک صدایی و یک عقیدتی تمام مسلمانان جهان شده، در هر نقاط از سرزمین مسلمان و غیر مسلمان همه قلبشان برای مسلمانان مستضعفین فلسطین یکی شده است. این حرف برای امروز هم تازه است بالخصوص برای غزه می بینیم که در تمام نقاط دنیا برای پشتیبانی از فلسطین و سرزمین های اشغالی علیه این نظام مجرم تظاهرات می شود. می گوید: این همبستگی و یکدلی باید بیشتر شود و اگر تمام امت اسلامی از عرب و کورد و ترک یکی شوند سرنجام به نابودی یهود می انجامد:

هه‌لده‌گرێ بېمه منه‌ت باری جو که ئه‌م وه‌حده‌ته‌ی پێ خستینه‌رو
عه‌ره‌ب و کورد و تورک که یه‌ک خرا هه‌روا بزانه جو تێی هه‌ل‌درا

(همان: ۵۰۵)

دیدگاه شاعر در این ابیات؛ هم به عنوان پیشبینی است و همچنین غیرت مردانگی، نقش یک فرد مسلمان کوردی است که در حق به حقوق برادران مسلمان و محبت به قبله اول مسلمانان (قدس) داشته باشد. چون در ادامه ابیات دیده می شود که متوجه ضعف امت اسلامی شده است. می گوید به سبب وجود نفاق در بین امت اسلامی و عدم جهود برای بلند کردن کلمه ایمان و نبود سعی برای تعمیر بنای دیوار اسلام، سبب شده بود یهود به چشم طمع به جانمان خیره شود. پس به سبب جهد جوانان، رفتن به میدان مبارزه با کفر و شرک و ظلم یهود؛ بسان اصحاب خیر هیبت کارتونی یهود را به لرزه در آوردند:

نیفاق به‌ربوبوه سه‌رو گوێلاکمان جوله‌که‌ش چاوی بریوبه لاکمان
ئێستا لاوانمان وه‌ک شیرێ ژیان به‌ده‌نگی دلێر هاتونه مه‌یدان
ئهم قه‌ومه‌ی که خوا ده‌رباره‌ی ئه‌وان فه‌رموی یه‌ک به‌ده‌ن بۆ روژی مه‌یدان
چۆن له‌پاستی جوو رو وه‌رده‌گیرن له‌خه‌یبه‌روه به‌وان فی‌رن

(همان: ۵۰۵)

ادامه می دهد که ملت شجاع و بیدار چگونه از تاریخ سربلندی گذشته اش بی آگاه می شود؟ چگونه ظلم و نیرنگ یهود را از یاد می برند؟ زیرا که این امت از غیرت گذشته و از عظمت اصحاب خیر و ام گرفته و سر مغلوب شدن دشمنش را در حافظه دارد و با مبارزه با آنها پیروز خواهد شد. دوباره یادی از تاریخ پر شکوه اجداد خود صلاح الدین ایوبی بر

حافظه می آورد با او می بالد و طریق جهاد و مبارزه او با دشمنان، سبیل نجات امت می داند و آن را شرط ایمان محسوب می کند:

ئیمهش نه ته وهی صلاح الدین ین
خۆمان بهو ناوه لایق ئه بینین
جیهادی قودس په پیره ویمان
فیداکاریمان شهرتی ئیمان

(همان: ۵۰۵)

بنا بر ظلم یهود، از بی خبری یهود خبر می دهد و می گوید: لذا شمشیر ظلم و ناعدالتی ای که امروزه یهود کشیده است، عاقبت خون خود را درکاسه می کند:

جوله که سالی هامان ئه کوژن
زۆردار هر روژی خویتی ئه مژن

(همان: ۲۱)

برای ادامه مسئله مشابه و دیدگاه دینی و اخلاقی پیرمرد، می توان به عنوان صفحه و ابیات مشابه زیر رجوع کرد:

(همان: ۵۱۰، ۵۳۱، ۵۴۲).

نتیجه گیری:

پیرمرد در اشعار و پندهایش ویژگی های منفی نظیر خودبرتربینی قومی و نژادی، دروغگویی و پیمان شکنی، فتنه انگیزی، پول پرستی، بخل و حسادت را در مورد قوم یهود مطرح کرد. این ویژگی ها بر اساس آموزه های اسلامی و مشاهده های تاریخی او درباره رفتارهای این قوم در طول تاریخ بیان شده است. بنابر جهان بینی و دیدگاه های دینی و اخلاقی پیرمرد، او در برابر ظلم، بی عدالتی، بی اعتمادی و اشغالگری هایی که از سوی یهود مشاهده می کرد، واکنش نشان می دهد. درک و فهم پیرمرد این بود که برای مقابله با این قوم باید تلاش کرد و از خداوند درخواست می کند که این قوم بدکار نابود شوند. او معتقد است که وعده الهی این است که ظلم را نمی پذیرد و در نهایت مجازات ظالمان را در دنیا خواهد گرفت و در قیامت جزای اعمال زشتشان را در جهنم خواهد دید. به نظر پیرمرد قوم ظالمی مانند یهود دست را به کشتن هامان و افراد مظلوم قوم خود نیز سرخ کردند و هر روز و هر جا خون قوم و ملتی را می خورند. ناگفته نماند بر اساس همین دیدگاه دینی و اخلاقی پیرمرد، می توان گفت که نگاه او به قوم یهود بیشتر از آن که جنبه فرهنگی یا تاریخی داشته باشد، از نوعی حس عدالت خواهی و حمایت از حقیقت برخاسته است. او که به عنوان یک مسلمان کورد زبان و با اعتقادات دینی خاص خود، درک می کند که ظلم و فساد هرگز در دنیا دوام نخواهد داشت و سرانجام این ظلم ها بر دوش ظالمین خواهد افتاد و عاقبت سرش را به باد خواهد داد. در این دیدگاه، نه تنها یک تحلیل اخلاقی، بلکه نوعی رویکرد الهی و مقدس نیز نهفته است که به دنبال نابودی فساد و خیانت است و به پیروزی حقیقت و عدالت در پایان کار باور دارد. پیرمرد در این رویکرد به سادگی نمی پردازد و عمق احساسات خود را در قالب پندهای اخلاقی و اشعار بیان می کند که نشان دهنده نفرت از بی عدالتی و ظلم است بالخصوص ظلمی که در آتشگاه یهودیان بیرون آمده و تمام کرانه های دنیای مستضعفین را فرا گرفته است. بنابراین در واقع، او با تاکید بر اهمیت اخلاق در زندگی اجتماعی و دینی، از مسلمانان و جوامع مختلف دعوت می کند که در برابر فساد و ظلم، همیشه موضعی محکم اتخاذ کنند. به همین دلیل، لحن اشعار و بیان او گاه تند و تیز و خشن می شود، چرا که او باور دارد که تنها با مقابله قاطعانه و هماهنگ با معصیتها است که می توان به حقیقت دست یافت. ناگفته نماند هرچند که مضمون مقاله و پندهای پیرمرد درباره اخلاق یهودی مذکور است و به لحنی انتقادی رفتار یهود را نکوهش می کند؛ اما باید گفت در کل، پیرمرد با این نوع واکنش، به یک روند کلی از فساد در برابر عدالت پرداخته و در اندیشه او، ظلم هیچ گاه پایدار نخواهد بود. این نوع نگاه نه تنها به قوم یهود بلکه به نگاهی کلی تر به هر گونه فساد و ظلم در دنیای بشری می تواند معطوف باشد.

عبارت ساده تر این است که نتیجه مقاله نشان می دهد که پیرمرد از منظر دینی و اخلاقی نه تنها به نقد رفتارهای منفی تاریخی و فرهنگی قوم یهود پرداخته، بلکه می توان به صراحت گفت در لایه های آن، تحلیل‌هایی معاصر و فراگیر از این قوم ارائه کرده است که می‌تواند بستری برای تفکر و بازنگری در مسائل اخلاقی و اجتماعی باشد.

منابع:

قران کریم.

- ابن خلدون، عبدالرحمن، (۱۳۶۶) العبر (ترجمه محمد پروین گنابادی)، علمی و فرهنگی، تهران.
- الرفاعی، فؤاد بن سید عبد الحمین (۱۴۰۶ق)، حقیقه اليهود، دار الکتب والوثائق، عراق.
- السمحرانی، اسعد (۲۰۰۸) اليهودیه عقیده و شریعه، دار النفائس للطباعة والنشر والتوزیع، بیروت.
- القضاه، امین (۱۹۹۱) ادیان والفرق، دار عمار، الأردن.
- القفاری، ناصر بن عبد الله و دیگران (۱۹۹۲) الموجز فی الادیان و المذاهب، دار الصمی، ریاض .
- المسیری، عبدالوهاب (۲۰۰۴)، دایره المعارف یهودیت، الناشر دار الشروق، بیروت.
- آدلر، فیلیپ جی، (۱۳۸۴) تمدنهای عالم (ترجمه محمد حسین آریا)، امیرکبیر، تهران.
- باقری، صدر (۱۴۰۲) جستارهایی در شناخت یهود مخاطب قرآن، انتشارات سنجا، تهران.
- بوبر، مارتین (۱۳۹۳)، در باب یهودیت، (ترجمه: علی فلاحیان وادقانی)، نشر ادیان، قم.
- پیره‌مژد، توفیق محمود (۲۰۰۷)، سه‌رجه‌م پهنده‌کانی پیره‌مژد، چاپی دوه‌م، شقان، سلیمانی.
- ره‌سول‌هاوار، محمد (۲۰۰۷)، دیوانی پیره‌مژد، چاپی یه‌که‌م، چاپخانه‌ی شقان، سلیمانی.
- ساقی، سید ابوالفضل (۱۳۹۸)، ترجمه فارسی تورات (بر اساس کتاب مقدس/ عهد عتیق و عهد جدید، لندن، ۱۰۹۱ میلادی)، انتشارات سایت جامع پژوهش‌های حقوق و ادیان، تهران.
- سوسه، احمد (۱۹۷۶) العرب و اليهود فی التاريخ، العربی للنشر التوزیع، القاهرة.
- شاهاک، اسرائیل (۱۳۸۹)، تاریخ یهود، آیین یهود: سابقه سه‌هزار ساله، (ترجمه: رضا آستانه‌پرست)، نشر قطره، تهران.
- عجاج، نوبهض (۱۳۹۸)، پروتکل‌های دانشوران صهیون: برنامه عمل صهیونیسم جهانی (ترجمه: حمید رضا شیخی)، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، مشهد.
- علی اکبر، دهخدا (۱۳۸۹)، لغت نامه دهخدا، نشر دهخدا، تهران.
- کارل، مارکس (۱۸۴۴)، درباره مسئله یهود (ترجمه: مرتضی محیط-سال شمسی ۱۴۰۲)، اختران، تهران.
- کریمیان، احمد (۱۳۸۴) یهود و صهیونیسم، تحلیل عناصر قومی، تاریخی و دینی یک فاجعه، بوستان کتاب، قم.
- کهن، (۱۳۵۰)، گنجینه‌ای از تلمود، (ترجمه: امیر فریدون گرگانی)، چاپخانه زیبا، تهران.
- م‌حی‌الدین حماده، محمد (۲۰۰۲) الاسلام و زیف الاقلام، دار اقرأ، دمشق.
- مغنیه، محمد جواد (۱۹۸۴)، تفسیر کاشف، چاپ اول، دار الکتب اسلامی، قم.
- هاکس، جیمز، (۱۳۷۷) قاموس کتاب مقدس، چاپ اول، اساطیر، تهران.
- هینلز، جان (۱۳۸۵) راهنمای ادیان زنده (مترجم: گواهی، عبدالرحیم)، مؤسسه بوستان کتاب، قم.
- یلیوام‌گلن، هنری مرتن (۱۳۸۰)، کتاب مقدس عهد عتیق و عهد جدید (ترجمه فاضل‌خان همدانی) چاپ اول، اساطیر، تهران.

^۱ پیرمرد: (Piramerd): توفیق محمود آقا؛ یکی از شاعران و نویسندگان برجسته ادبیات کوردی (۱۸۶۷-۱۹۵۰) است.